

عدم توافق ارزشی و تأثیر آن بر ناسازگاری زوجین در مشهد

غلامرضا صدیق اورعی^۱

احمدرضا اصغرپور ماسوله^۲

(تاریخ دریافت: ۸۷/۱۱/۲۳، تاریخ تصویب: ۸۸/۷/۸)

چکیده

خانواده یکی از قدیمی‌ترین نهادهای تربیتی جوامع انسانی است. خانواده به عنوان یک خرده‌نظام در درون نظام اجتماعی، دارای تمام ویژگی‌های نظام است. عدم تعادل در نظام خانواده موجب بروز مشکلاتی در آن می‌شود و برخی کارکردهای آن را مختل می‌کند. از سوی دیگر در خانواده‌های ایرانی، قیود فرهنگی مانع طلاق موجب می‌شود که مشکلات موجود به طور کامل در آمار طلاق منعکس نشود. یکی از راه‌های بررسی مشکلات خانواده در ایران، بررسی ناسازگاری اعضای خانواده و عوامل مؤثر بر آن است. در این مقاله تضاد ارزشی میان همسران و رابطه آن با ناسازگاری میان آن دو بررسی شده است. تحلیل داده‌های تجربی این پژوهش که از مأخوذ از مصاحبه با ۱۴۳ زوج مشهدی است، نشان داد که تضاد ارزشی میان همسران موجب افزایش بروز رفتارهای ناسازگارانه از سوی هر دو می‌شود. در تحلیل ساختاری، ضریب تحلیل مسیر میان تضاد ارزشی همسران و اعمال ناسازگارانه شوهران برابر ۰/۳۳ و همین ضریب مسیر برای اعمال ناسازگارانه بانوان برابر ۰/۲۶ بوده است.

واژگان کلیدی: خانواده، مشکلات ساختاری، تضاد ارزشی، ناسازگاری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ مربی جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد و مدیر گروه پژوهشی علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد sedourae@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد ahmadreza.asgharpour@gmail.com

مقدمه

خانواده مهم‌ترین سازمان تربیتی جامعه (بودون، ۱۳۸۵: ۲۹۳) و شاید قدیمی‌ترین آن‌هاست (ترنر، ۱۳۷۸: ۲۶۳). با این حال، بودون معتقد است «خانواده به معنای دقیق کلمه در وضعیت طبیعی انسانی وجود ندارد و پس از انقلابی که در آن گذار به جامعه مدنی و نهاد مالکیت تحقق می‌یابد، خانواده ظاهر می‌شود» (بودون، ۱۳۸۵: ۲۸۷). لوی اشتراوس هم تأکید کرده است: «خانواده به شکل کنونی که مطابق آن یک مرد و یک زن، خانه‌ای مشترک دارند و کودکان خود را بزرگ می‌کنند، متعلق به تمام جوامع نیست» (اشتراوس، ۱۹۹۶: ۵).

به نظر می‌رسد سازمان خانواده در جامعه ایران دچار مشکلاتی است. افزایش چشم‌گیر مباحث مربوط به مشکلات خانوادگی در جراید و رسانه‌های جمعی و نیز بالا رفتن میزان طلاق و مهم‌تر از آن بالا رفتن میزان پرونده‌های خانوادگی در دادگاه‌ها در ایران حکایت از وجود مشکلات و اختلالاتی در نظام خانواده ایرانی دارد. در برخی کشورها نرخ طلاق می‌تواند شاخصی برای میزان مشکلات خانوادگی باشد. طلاق انحلال سازمان خانواده هسته‌ای است. به عنوان مثال میزان طلاق در خانواده‌های غربی چنان بالاست و آن‌قدر خانوارهای جدید و متنوع به وجود آمده‌اند (سگالن و زونا بند، ۱۹۹۶: ۵۰۳) که برخی مؤلفان غربی را واداشته است در مفهوم خانواده تجدید نظر کنند و برخی اشکال دیگر خانوار را هم به عنوان خانواده قبول کنند^۳ (تروست، ۱۹۸۸). اما در ایران به این دلایل نمی‌توان چندان به نرخ طلاق برای بررسی مشکلات خانوادگی تکیه کرد: ۱. هنوز قبح طلاق در افکار عمومی و باورهای دینی زیاد است و زوجین به صرف وجود ناسازگاری اقدام به طلاق نمی‌کنند. ۲. عدم استقلال مالی اکثر زنان موجب می‌شود بسیاری از آنان با وضعیت موجود کنار بیایند. ۳. اهتمام بسیاری از افراد به ادامه وضع کنونی و نگرانی درباره آینده فرزندان‌شان موجب انصراف از طلاق می‌شود، هر چند در رنج بسیار باشند. ۴. شانس ازدواج مجدد برای بسیاری از زنان اندک است. این امر نیز موجب انصراف بسیاری از زنان از طلاق می‌شود. ۵. برخورد جامعه با زنان مطلقه مانند برخورد آن‌ها با دختران یا بانوان نیست و زنان مطلقه دارای آرامشی مشابه بانوان نیستند.

برخی از عواملی که در بالا گفته شد، بر انصراف مردان از طلاق هم مؤثر است. پس مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی و اجتماعی موجب می‌شود زنان و مردان ناراضی در ایران، از طلاق منصرف شوند. دلایل بالا همگی مؤید این نکته هستند که در ایران میزان طلاق جلوه واقعی و کامل مشکلات خانوادگی نیست و از این طریق نمی‌توان به درک ساختار خانواده ایرانی و مشکلات آن رسید. هدف این مقاله بررسی ناسازگاری زوجین و عوامل مؤثر بر آن به عنوان شاخصی برای وجود عدم تعادل در نظام خانواده در شهر مشهد است.

۳. در سال ۲۰۰۳ حدود تنها حدود نیمی از خانوارهای آمریکایی از زوج‌های رسماً ازدواج کرده تشکیل شده بود، در حالی که در سال ۱۹۴۰ این میزان به

۸۴ درصد می‌رسید (شافر، ۲۰۰۷: ۲۹۸).

خانواده به عنوان نظام اجتماعی

برای بررسی دقیق مشکلات خانواده در ایران باید به بررسی کشمکش و نزاع زن و شوهر پرداخت. نارضایتی و کشمکش همسران می‌تواند ناشی از رفتار ناپه‌نجان یکی یا هر دو ی آن‌ها باشد. به عبارت دیگر می‌تواند نتیجه تخلف آنان از مقررات سازمان خانواده باشد. ممکن است هیچ‌یک از زوجین از نظر خودش هنجارشکن نباشد و خود را پای‌بند به هنجارها بداند، اما به علت مشکلات ساختاری خانواده، نارضایتی و کشمکش بین زوجین وجود داشته باشد. بحث درباره کجروی مهم است، اما مهم‌تر از آن، بحث درباره ساختاری است که اعضای سازمان مربوط به آن را ناراضی ساخته و به کشمکش وامی‌دارد.

تحلیل سیستمی خانواده از دهه ۱۹۲۰ آغاز شده و از دهه ۱۹۶۰ به شکل کنونی خود درآمده است (چیوکاس و لیت، ۲۰۰۵: ۲۷۹). در دیدگاه سیستمی، مسئله اجتماعی عبارت است از عدم تعادل در نظام اجتماعی. همان‌طور که نظام اجتماعی مفهومی است که از کوچک‌ترین سطح (تعامل دو شخص) تا بزرگ‌ترین سطح (نظام اجتماعی کل یک جامعه) دارای مصداق است (روشه، ۱۳۷۶: ۱۰۱)؛ تعادل و عدم تعادل در نظام اجتماعی نیز از پایین‌ترین سطح تا بالاترین سطح نظام اجتماعی مصداق دارد. سطح نظام اجتماعی در گروه اجتماعی خانواده میانه است و در این نظام تعادل یا عدم تعادل می‌تواند وجود داشته باشد. با توجه به این تعریف از مشکلات ساختاری خانواده، برای بررسی ناسازگاری زوجین (صاحبان نقش‌های شوهری و پدری و نقش‌های بانویی و مادری) در خانواده باید به بررسی عدم تعادل در نظام اجتماعی خانواده پرداخت.

در تعریف نظام^۴ گفته‌اند مجموعه‌ای از عناصر مرتبط و هماهنگ است که دارای کار و اثر جمعی باشد. در درون هر نظام، اجزای (خرده‌نظام‌های) گوناگونی وجود دارند که هر یک وظایف خاصی را برعهده دارند. بین این اجزاء هماهنگی کامل وجود دارد، اگر چه ممکن است وظایف آن‌ها کاملاً متفاوت باشد. وظیفه‌ای را که یک جزء در یک نظام برعهده دارد کارکرد می‌نامند. پارسونز معتقد است «کارکرد مفهومی عمومی‌تر از ساختار است که معرف برخی ویژگی‌های یک نظام است و آن را به صورت یک موجود مستقل در یک محیط نگاه می‌دارد. ویژگی عمومی نظام، فرآیند است» (پارسونز، ۱۹۷۸: ۴۹). نظام اجتماعی دارای اجزایی است که اختلال در آن‌ها می‌تواند موجب اختلال در عملکرد کل نظام گردد.

اگر طرفین رابطه بر وجود تعامل بین خود و نوع تعامل و انتظارات متقابل و چند و چون و زمان و مکان و فاعل عمل توافق داشته باشند آن تعامل مورد توافق و پایدار است. قاعده‌ای که تمام نکات یاد شده را بیان می‌کند و مورد توافق طرفین است هنجار^۵ نامیده می‌شود. این تعریف از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در تعامل است. حال اگر بخواهیم هنجار را از منظر جامعه‌شناس تعریف کنیم، می‌توان گفت هنجار عبارت است از هم‌شکلی‌های مشاهده شده در کنش‌ها؛

^۴. System

^۵. Norm

زیرا محقق ناآشنا با یک جامعه، سعی می‌کند با مشاهده اعمال مردم و ثبت آن‌ها به مقایسه آن‌ها بپردازد. مطلوبیت هنجارها، فرهنگی و بر اساس انتظارات مشترک اعضای جامعه است (مارشال، ۱۹۹۸: ۴۵۳).

مجموعه‌ای از هنجارها که مخصوص یک موقعیت اجتماعی معین در یک سازمان است و شرح وظایف آن را تشکیل می‌دهد، نقش اجتماعی آن موقعیت است. در واقع رفتاری که از فرد اشغال کننده یک موقعیت انتظار می‌رود نقش اجتماعی است (رول، ۲۰۰۷). مجموعه‌ای از هنجارهایی که میزان استاندارد بر خورداری‌های هر موقعیت اجتماعی را از دارایی، احترام و اقتدار تعیین می‌کند، پایگاه اجتماعی است (بودون، ۱۳۸۵: ۱۲۷). ارزش‌ها، ایده‌هایی هستند درباره آن چه خوب یا بد، غیرمناسب یا مناسب و ضروری یا غیرضروری است. اگر تفاهم ارزشی وجود نداشته باشد، افراد بر سر این که چه چیزی باید انجام گیرد، چه چیزی منصفانه است و کدام رفتار مناسب است با هم موافقت نخواهند داشت (ترنر، ۱۳۷۸: ۸۰-۸۱).

مشکلات ساختاری خانواده

با توجه به آن چه گفته شد، نظام خانواده مجموعه‌ای از موقعیت‌های خانوادگی همراه با نقش‌ها و پایگاه‌های آن‌ها است. نظام خانواده در سازمان خانواده محقق می‌شود و روابط اعضای سازمان خانواده را ایجاد می‌کند و به آن شکل می‌بخشد. نظام خانواده شامل موقعیت‌های شوهری و بانویی و پدری و مادری، فرزنددی و خواهر و برادری است. البته اگر نظام خانواده غیرهسته‌ای باشد در تعداد و نوع موقعیت‌ها تفاوت‌هایی با آن چه گفته شد وجود دارد. مثلاً در نظام خانواده گسترده موقعیت‌های پدر شوهری، مادر شوهری، عروس بودن، برادر شوهری، خواهر شوهری، جاری بودن (بانوی برادر شوهر) و... وجود دارند. باید تذکر داد که در نظام خانواده هسته‌ای موقعیت‌های اخیر بیرون از نظام خانواده هسته‌ای قرار دارند و بخشی از نظام خویشاوندی را می‌سازند. هم چنین یک نفر که عضو نهاد خانواده است، در نهاد خویشاوندی نیز عضویت دارد؛ همان‌طور که عضو نهاد خانواده، در نهاد سیاسی، اقتصادی، علمی و آموزشی نیز عضو است.

تبادل در نظام خانواده هسته‌ای - که شکل مسلط خانواده در شهرهای ایران و اکثر روستاهای ایران است - به نحوه تنظیم نقش‌ها و ارتباط میان آن‌ها و ارتباط نقش با پایگاه اجتماعی و نحوه تنظیم نقش و پایگاه با شخصیت احراز کننده موقعیت و نحوه تناسب بین نقش و ارگانیزم شخص ایفا کننده آن و اموری از این دست بستگی دارد.

نظام اجتماعی خانواده از مطالعه سازمان‌های خانواده انتزاع شده است. نظام اجتماعی خانواده در سطح میانه است. بنابراین مطالعه تعامل‌ها نیست و مطالعه خرده‌نظام‌های درون نظام اجتماعی کل نیز نمی‌باشد. نظام خانواده مطابق مبنای نظری ارائه شده تحت تأثیر فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های ذیل آن قرار دارد و البته نظام خانواده بر شخصیت اعضای سازمان خانواده و ارگانیزم آنان اثر می‌گذارد و جلوه‌هایی در عمل اعضای سازمان خانواده دارد. نظام خانواده دارای کارکردهایی است و در یک محیط قرار دارد. نظام خانواده از محیط خود اثر می‌پذیرد و بر آن اثر می‌گذارد. نظام خانواده

هم چون هر نظام اجتماعی دیگر قابلیت تغییر دارد. تغییر برای حفظ تعادل خود که از جهتی در معرض خطر قرار گرفته است و تغییرات ساختی که در آن، ساخت و کارکرد نظام خانواده دگرگون شود (روشه، ۱۳۷۵: ۱۷۶).

نظام خانواده دارای موقعیت‌های شوهری و بانویی است؛ خانواده همسری در ابتدای تشکیل چنین است. هر موقعیت دارای نقش یا همان شرح وظایف است و نیز هر موقعیت دارای پایگاه اجتماعی یا همان شرح مزایا است. در این جا با استفاده از بحث‌هایی که درباره نقش‌های اجتماعی در سازمان‌های اجتماعی شده است به بررسی عدم تعادل (بی‌نظمی= اختلال)ها در نظام خانواده می‌پردازیم. در واقع قصد داریم رفتارهای ناسازگارانه زوجین را با نابسامانی‌های ساختاری در نظام خانواده تبیین کنیم. ویژگی مورد نظر در این جا عدم توافق ارزشی است.

عدم توافق ارزشی زوجین

نظام اجتماعی تجلی بخش عمده نظام فرهنگ است. نقش‌های اجتماعی که بخش مهمی از عناصر سازنده نظام اجتماعی‌اند، معطوف به ارزش‌های نظام فرهنگ هستند. زمانی که اعضای سازمان اجتماعی - که تحت سیطره نظام اجتماعی هستند - ارزش‌ها و باورهای مشابهی نداشته باشند، انتظارات‌شان از یک موقعیت و به عبارت دیگر هنجارهای مورد قبول‌شان درباره یک امر معین به احتمال زیاد ناهماهنگ خواهد بود (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۱۴). «بررسی‌های انجام شده در حیطه خانواده نشان می‌دهد که توافق ارزشی زن و شوهر سهم عمده‌ای در ایجاد رضایت دارد» (مهدوی، ۱۳۷۵: ۱۷۱).

نکته دیگر این که عناصر نظام فرهنگ از طریق تبدیل به نظام اجتماعی و درونی شدن نظام اجتماعی در شخصیت افراد و نیز از طریق تأثیر مستقیم نظام فرهنگ بر شخصیت، شخصیت را می‌سازد (پارسونز، ۱۹۷۸: ۱۷۱). می‌توان در نظر آورد زمانی که اعضای سازمان خانواده دارای تفاوت فرهنگی باشند، تفاوت شخصیتی نیز خواهند داشت و نگرش‌ها و طرز برخورد‌های آن‌ها متفاوت خواهد بود و این امر به احتمال زیاد بر وقوع نزاع میان آنان مؤثر خواهد بود. به عنوان مثال مردی که صرفه‌جویی را ارزشمند می‌داند، در زندگی خانوادگی نیز گرایش به صرفه‌جویی دارد. اگر بانوی خانواده در این امر با او تفاوت ارزشی داشته باشد، عمل شوهر را خست و او را شخصی خسیس تلقی خواهد کرد. این در حالی است که شوهر خود را شخصی صرفه‌جو می‌داند. در مقابل، بانو خود را دست و دلباز می‌داند اما شوهرش شخصیت او را ولخرج ارزیابی می‌کند. این چنین حالت نامتعادلی در خانواده، سبب بروز واکنش‌های منفی بانو و شوهر نسبت به یکدیگر می‌شود که به احتمال زیاد بر نزاع مؤثر است و به طور جدی و حتمی یکی از موارد عدم توافق اخلاقی اعضای خانواده تلقی می‌شود.

عدم توافق ارزشی تا اندازه زیادی ناشی از تفاوت فرهنگی - اجتماعی خانواده‌های پدری زوجین و سایر گروه‌های عضویت مانند مدارس و گروه‌های هم‌سالان و... می‌باشد. شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی والدین بانو و شوهر نباید به طور مستقل از عوامل عدم تعادل در نظام خانواده شمرده شود، بلکه این عامل از طریق عدم توافق ارزشی زوجین یا اعضای خانواده بر تفاهم میان آنان تأثیر منفی می‌گذارد.

تفاوت‌های اجتماعی بانو و شوهر، مانند تفاوت سنی بیش از ده سال و تفاوت سطح تحصیلات آن‌ها به خودی خود عدم تعادل در نظام خانواده محسوب نمی‌شوند، بلکه می‌توانند در برخی موارد تسهیل‌کننده عدم تعادل در نظام خانواده باشند. گاهی این تفاوت‌ها از طریق ایجاد فضاهای فکری و اندیشه و سلیقه‌ها و خواسته‌های متفاوت منجر به عدم تعادل در نظام خانواده می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۶۲). گاهی نیز عدم تعادل از طریق ایجاد حس برتری یا انگیزه برتری جویی در یکی از اعضای سازمان خانواده ایجاد می‌شود. مثلاً کسی که مدرک تحصیلی بالاتری از همسرش دارد، ممکن است احساس برتری نسبت به همسرش داشته باشد و معتقد شود که چون «بهتر می‌فهمد»، باید در امور زندگی طبق نظر او عمل شود. در صورتی که همسرش متقابلاً این برتری را نپذیرد و این امر به احتمال زیاد منجر به نزاع می‌گردد.

فرضیه اصلی پژوهش

با توجه به مباحثی که مطرح شد، فرضیه مورد آزمون در این پژوهش آن است که «تضاد ارزشی میان زوجین در خانواده موجب افزایش اعمال ناسازگارانه زوجین می‌شود». تضاد ارزشی به معنای تفاوت در اولویت‌های ارزشی زوجین است و اعمال ناسازگارانه، اعمالی هستند که نیت اصلی کنش‌گر، تعارض با طرف تعامل باشد. باید توجه داشت که وضعیت ساختاری، شرایط عینی و بیرونی برای شخص است اما وقتی شخص با آن روبه‌رو شد باید در قبال آن تصمیم بگیرد (یا طبق دیدگاه کنش متقابل نمادین، باید آن را تفسیر کند و سپس تصمیم بگیرد). هر چند اکثر انسان‌های تربیت شده در یک فرهنگ و نظام اجتماعی معمولاً روش تفسیر یک وضعیت عینی و نحوه تصمیم و عمل در برابر آن را از آن فرهنگ و نظام اجتماعی می‌آموزند و بیشتر آن‌ها به طور مشابه عمل می‌کنند، اما باید توجه داشت که متغیر تصمیم شخص در برابر وضعیت عینی باید در تحلیل لحاظ شود و در این امر وضعیت ذهنی شخص و نظام ترجیحات او و به تعبیری نظام شخصیت افرادی که تحت شرایط ساختاری نظام اجتماعی قرار گرفته‌اند، اثرگذار است. پارسونز نیز معتقد است از عدم تعادل ساختاری در نظام اجتماعی نمی‌توان یکسره و بی‌واسطه به عمل رسید، بلکه باید متغیر شخصیت را بین نظام اجتماعی و عمل اجتماعی قرار داد (پارسونز، ۱۹۷۸: ۱۶۸). بنابراین مدل تبیینی و علی‌ما مشروط است به «عدم چشم‌پوشی کنش‌گر (شوهر یا بانو)»، زیرا در حالتی که او با عدم تعادل ساختاری درگیر است، اگر چشم‌پوشی کند، عمل ناسازگارانه‌ای انجام نخواهد داد.

روش پژوهش

داده‌های این پژوهش به وسیله پرسش‌نامه، و از طریق مصاحبه با ۱۴۳ خانواده در شهر مشهد جمع‌آوری شده است. حجم نمونه با توجه به محدودیت‌های پژوهش تعیین شده است. انتخاب خانواده‌ها به شیوه تصادفی سهمیه‌ای در مناطق مختلف شهر مشهد بوده است. جامعه آماری پژوهش خانواده‌های مشهدی بوده‌اند که در آن‌ها پدر، مادر و حداقل یک فرزند پسر و دختر نوجوان یا بزرگ‌تر حضور داشته باشد. برای هر یک از زوجین پرسش‌نامه‌ای جداگانه تنظیم شده است. در هر خانواده با

۱. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش مأخوذ از داده‌های پژوهشی است که بین سال‌های ۸۲-۱۳۸۱ در سطح ملی با عنوان «مشکلات ساختاری خانواده در ایران»، توسط نگارنده (صدیق اورعی) در جهاد دانشگاهی مشهد انجام شده است.

شوهر و بانو به طور جداگانه مصاحبه شده است. برای بررسی قابلیت اعتماد سازه‌ها از تحلیل عاملی استفاده شده است، ضمن این که برای بررسی فرضیه اساسی پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده که ضمن بررسی دقت اندازه‌گیری (قابلیت اعتماد) رابطه علی را نیز بررسی می‌کند. تفصیل این مباحث در بخش تحلیل داده‌ها ارائه شده است.

تحلیل داده‌های تجربی

در نمونه، میانگین سن شوهران ۴۸/۰ سال و میانگین سن بانوان ۴۱/۸ سال بوده است. میانگین تعداد سال‌های تحصیل شوهران و بانوان، به ترتیب ۱۱/۱ و ۹/۷ سال بوده است.

ارزش‌های شوهر و بانو

برای سنجش ارزش‌های شوهر و بانو، با توجه به بررسی‌های اکتشافی و پیش‌آزمون، ده ارزش انتخاب شده است. تمام این ارزش‌ها درباره زندگی مشترک هستند. پاسخ‌ها یک طیف لیکرت از بسیار بد تا بسیار خوب را شامل می‌شوند. در جدول ۱، فراوانی مربوط به پاسخ‌های شوهران و بانوان به این ارزش‌ها ارائه شده است.

جدول ۱. نظر شوهر و بانو درباره ارزش‌ها (درصد)

ارزش	پاسخ بسیار بد است [۱]		بد است [۲]		بدنیست [۳]		خوب است [۴]		بسیار خوب است [۵]		درصد
	بانو	شوهر	بانو	شوهر	بانو	شوهر	بانو	شوهر	بانو	شوهر	
زندگی با خانواده همسر	۷.۰	۱۰.۹	۲۱.۰	۱۴.۲	۲۸.۴	۲۷.۵	۲۲.۰	۲۳.۹	۲۷.۷	۱۵.۹	۳۰.۲
زندگی مستقل	۲.۰	۲.۰	۳.۶	۲.۰	۸.۷	۶.۰	۳.۰	۲.۹	۱.۰	۵۵.۱	۲.۷
رفت و آمد با دیگران	۰.۰	۰.۰	۱.۴	۰.۰	۱۴.۹	۱۷.۰	۵۳.۲	۵۰.۴	۳۰.۵	۳۱.۲	۴.۱
ساده زیستی	۰.۰	۰.۰	۱.۴	۰.۰	۱۴.۹	۲۰.۰	۴۳.۷	۴۲.۴	۴۰.۸	۳۳.۸	۰.۲۳

۶														
۴.	۴.	۵۵.	۴۰.	۳۵.	۴۳.	۹.۳	۱۴.	.۰%	۲.۱	.۰	.۰	در	همسر	
۴	۲۳	۷%	۸%	۰%	۰%	%	۱%		%	%	%	صد	تحصیل کرد	
۶													ه	
۳.	۴.	۱۷.	۲۸.	۴۳.	۵۱.	۳۴.	۲۰.	۴.۳	.۰%	.۰	.۰	در	همسر زیبا	
۷	۰.۸	۳%	۴%	۹%	۱%	۵%	۶%	%	%	%	%	صد		
۴														
۳.	۳.	۲۵.	۱۳.	۵۰.	۳۱.	۲۰.	۳۲.	۲.۹	۱۷.	۱.	۵.	در	اشتغال زن	
۹	۳۰	۴%	۶%	۰%	۴%	۳%	۱%	%	۱%	۴%	۷%	صد		
۵														
۴.	۳.	۴۴.	۲۴.	۴۷.	۴۹.	۵.۹	۲۱.	۱.۵	۴.۳	۱.	.۰	در	کمک به	
۳	۹۵	۱%	۸%	۱%	۶%	%	۳%	%	%	۵%	%	صد	بانو	
۱														
۴.	۴.	۵۸.	۳۶.	۳۴.	۴۳.	۵.۰	۱۶.	۱.۴	۲.۸	.۰	.۷	در	مشورت با	
۵	۱۳	۹%	۶%	۸%	۷%	%	۲%	%	%	%	%	صد	همسر	
۱														
۴.	۴.	۷۴.	۶۱.	۲۱.	۲۷.	۳.۵	۱۰.	.۷%	.۰%		.۷	در	محبت به	
۶	۴۹	۵%	۳%	۳%	۵%	%	۶%				%	صد	همسر	
۹														

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

همان طور که در جدول ۱ ملاحظه می شود:

- مردان بیش از زنان زندگی با خانواده همسر گرایش دارند.
- زنان بیش از مردان به زندگی مستقل گرایش دارند.
- زوجین هر دو رفت و آمد با دیگران را خوب می دانند.
- مردان بیش از زنان به ساده زیستی تمایل دارند.
- زنان بیش از مردان به همسر تحصیل کرده گرایش دارند.
- مردان بیش از زنان به همسر زیبا گرایش دارند.
- زنان بیش از مردان طرفدار اشتغال زنان هستند.

- زنان بیش از مردان کمک به بانو در منزل را خوب می‌دانند.
- زنان بیش از مردان به مشورت با همسر گرایش دارند.
- زنان بیش از مردان به محبت به همسر گرایش دارند.

تضاد ارزشی به معنای تفاوت نظر زوجین درباره یک ارزش است، بنابراین میزان تضاد ارزشی بین هر زوج، برابر با قدر مطلق تفریق نظر زوجین است. در جدول ۲ آماره‌های توصیفی مربوط به تضاد بر سر ارزش‌های ده‌گانه ارائه شده است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش‌های مربوط به زندگی مشترک

تضاد بر سر ارزش	تعداد پاسخگو	میانگین	میانه	نما	بیشترین	کمترین
زندگی با خانواده همسر	۱۳۶	۱.۱۱۰۳	۱.۰۰۰۰	۱.۰۰	۴.۰۰	.۰۰
زندگی مستقل	۱۳۰	.۶۱۵۴	.۰۰۰۰	.۰۰	۴.۰۰	.۰۰
رفت و آمد با دیگران	۱۳۹	.۶۵۴۷	۱.۰۰۰۰	.۰۰	۳.۰۰	.۰۰
ساده زیستی	۱۳۸	.۷۳۱۹	۱.۰۰۰۰	.۰۰	۴.۰۰	.۰۰
همسر تحصیل کرده	۱۳۹	.۶۶۹۱	۱.۰۰۰۰	.۰۰	۳.۰۰	.۰۰
همسر زیبا	۱۳۸	.۶۵۲۲	۱.۰۰۰۰	۱.۰۰	۳.۰۰	.۰۰
اشتغال زن	۱۳۵	.۹۶۳۰	۱.۰۰۰۰	.۰۰	۴.۰۰	.۰۰
کمک به بانو	۱۳۶	.۷۴۲۶	۱.۰۰۰۰	۱.۰۰	۳.۰۰	.۰۰
مشورت با همسر	۱۴۰	.۶۴۲۹	.۰۰۰۰	.۰۰	۴.۰۰	.۰۰
محبت به همسر	۱۴۰	.۴۸۵۷	.۰۰۰۰	.۰۰	۴.۰۰	.۰۰

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود:

- میانگین تضاد بر سر ارزش‌های ده‌گانه تفاوت‌های چشم‌گیری با هم دارند. بیشترین تضاد مربوط به زندگی با خانواده همسر و بعد از آن اشتغال زن است. با توجه به تفاوت نسبتاً چشم‌گیر میانگین تضاد در این دو ارزش با دیگر ارزش‌ها می‌توان گفت که تضاد بر سر این دو ارزش می‌تواند وجه مسئله‌ای داشته باشد. کمترین تضاد هم مربوط به محبت به همسر است.
- اگر شاخص تضاد ارزشی را میانه در نظر بگیریم، آن‌گاه از میان ده ارزش، میانه تضاد بر سر مورد از آن‌ها صفر و میانه بقیه یک است. به این ترتیب می‌توانیم بگوییم که درباره ارزش‌های زندگی مستقل، مشورت با همسر و محبت به همسر تضاد وجود ندارد و بر سر بقیه ارزش‌ها تضاد وجود دارد.

دسته‌بندی تضادهای ارزشی شوهر و بانو

به منظور دسته‌بندی این ده تضاد ارزشی، تحلیل عاملی اکتشافی به روش واریماکس انجام و سه عامل از هم تفکیک شد. این سه عامل با هم ۴۹/۱۵۰ درصد از واریانس بارهای عاملی را تبیین می‌کنند. در جدول ۳ مقادیر ضرایب عاملی برای سه عامل مشاهده می‌شود.

جدول ۳. دسته‌بندی تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش‌های زندگی مشترک

عامل ۳	عامل ۲	عامل ۱	تضاد زن و شوهر بر سر ارزش
-.۲۴۳	.۵۱۵	.۴۸۸	زندگی با خانواده همسر
-.۰۰۶	.۶۳۴	.۰۴۶	زندگی مستقل
.۴۵۷	.۵۸۶	-.۱۱۲	رفت و آمد با دیگران
-.۰۶۴	.۱۷۰	.۶۴۹	ساده زیستی
.۲۷۲	.۱۲۹	.۵۲۲	همسر تحصیل کرده
.۰۴۶	.۴۷۳	.۰۰۷	همسر زیبا
.۸۰۵	-.۰۸۲	.۱۶۳	اشتغال زن
.۴۷۰	.۱۹۶	.۲۶۳	کمک به بانو
.۲۸۳	-.۲۸۴	.۷۲۵	مشورت با همسر
.۲۵۳	-.۰۸۲	.۷۵۶	محبت به همسر

به این ترتیب می‌توانیم ده تضاد ارزشی را در سه عامل چنین بیان کنیم:

- عامل اول:** شامل تضاد بر سر ارزش‌های ساده‌زیستی، همسر تحصیل‌کرده، مشورت با همسر و محبت به همسر. این عامل را می‌توان تضاد بر سر ارزش‌های مربوط به زوجین نامید.^۷
- عامل دوم:** شامل تضاد بر سر ارزش‌های زندگی با خانواده همسر، زندگی مستقل، رفت و آمد با دیگران و همسر زیبا. این عامل را می‌توان تضاد بر سر ارزش‌های مربوط به رفت و آمد با دیگران نامید.
- عامل سوم:** شامل تضاد بر سر ارزش‌های اشتغال زن و کمک به بانو. این عامل را می‌توان تضاد بر سر ارزش‌های مربوط به نقش زن نامید.

^۷ گفتنی است که نام‌گذاری عامل‌ها بر اساس وجه غالب متغیرهای موجود در آن گویه بوده است و بر تمام متغیرهای موجود در آن عامل به طور کامل منطبق نیست.

ناسازگاری در خانواده

به منظور سنجش اعمال ناسازگارانه شوهر و بانو در منزل، برای شوهران ۱۸ گویه و برای بانوان ۱۷ گویه در نظر گرفته شده است. از زوجین پرسیده شده است که در طول یک ماه گذشته چند بار، هر کدام از این اعمال را انجام داده‌اند. بر اساس بررسی‌های اکتشافی گویه‌های ناسازگارانه شوهران و بانوان تا حدی متفاوت در نظر گرفته شده است. در جدول ۴ فراوانی‌های مربوط به گویه‌های ناسازگاری شوهران ارائه شده است.

جدول ۴. فراوانی انواع اعمال ناسازگارانه شوهر در خانواده

میانگین	میانگین	پنج بار و بیشتر [۵]	چهار بار [۴]	سه بار [۳]	دو بار [۲]	یک بار [۱]	پیش‌نیامده [۰]	درصد	اعمال ناسازگارانه شوهر
۰	۷۴	۵۴٪	۱۶٪	۳۱٪	۷۰٪	۱۷۸٪	۶۵۱٪	درصد	ایراد به کیفیت غذا
۰	۸۵	۶۹٪	۳۱٪	۱۵٪	۱۰۷٪	۱۲۲٪	۶۵۶٪	درصد	اعتراض به عدم تنوع غذا
۰	۶۶	۳۱٪	۱۶٪	۵۴٪	۸۵٪	۱۰۹٪	۷۰۵٪	درصد	ایراد به نظافت منزل
۰	۵۲	۳۹٪	۱۶٪	۲۳٪	۳۹٪	۱۱۶٪	۷۶۷٪	درصد	غذا نخوردن
۰	۵۵	۴۶٪	۲۳٪	۲۳٪	۴۶٪	۶۹٪	۷۹۲٪	درصد	جداگانه غذا خوردن
۰	۸۶	۱۰۲٪	۸٪	۳۱٪	۶۳٪	۱۰۲٪	۶۹۵٪	درصد	جداگانه خوابیدن
۰	۸۲	۶۳٪	۱۶٪	۳۱٪	۸۷٪	۱۷۳٪	۶۳۰٪	درصد	نرفتن به منزل بستگان

۰	۸۷	۴.۶%	۱.۵%	۸.۵%	۸.۵%	۱۵.۴%	۶۱.۵%	درصد	نرفتن به مهمانی
۰	۶۷	۳.۹%	۲.۳%	۱.۶%	۱۰.۹%	۱۱.۷%	۶۹.۵%	درصد	دعوت نکردن دیگران
۰	۹۱	۹.۴%	۱.۶%	۳.۹%	۸.۷%	۷.۹%	۶۸.۵%	درصد	نرفتن به تفریح
۱	۱.۶۹	۱۷.۳%	۴.۷%	۹.۴%	۱۰.۲%	۱۵.۰%	۴۳.۳%	درصد	اخم داشتن
۰	۶۵	۵.۵%	۲.۳%	۲.۳%	۳.۹%	۱۳.۳%	۷۲.۷%	درصد	پرهیز از ملاقات
۰	۸۷	۷.۸%	۳.۱%	۳.۹%	۳.۹%	۱۵.۶%	۶۵.۶%	درصد	پرهیز از گفتگو
۰	۶۲	۸.۵%	۸%	۸%	۲.۳%	۹.۳%	۷۸.۳%	درصد	سلام نکردن
۰	۸۱	۱۱.۱%	۱.۶%	۱.۶%	۴.۸%	۴.۸%	۷۶.۲%	درصد	خدا حافظی نکردن
۰	۱.۲۸	۱۲.۳%	۳.۱%	۶.۹%	۱۰.۸%	۱۲.۳%	۵۴.۶%	درصد	بگو مگو
۰	۲۳	۲.۳%	۸%	۱.۵%	۸%	۲.۳%	۹۲.۳%	درصد	پرتاب وسایل
۰	۲۲	۳.۱%	۰%	۱.۵%	۰%	۱.۵%	۹۳.۸%	درصد	شکستن وسایل

همان طور که در جدول ۴ ملاحظه می شود:

- با توجه به میانگین‌ها بیشترین موارد ناسازگاری شوهران، اخم داشتن و بگو مگو بوده است.
- با توجه به میانه، تنها عمل ناسازگارانه اخم داشتن، دارای میانه یک است، یعنی ۵۰ درصد پاسخ‌گویان در طول ماه گذشته بیش از یک بار اخم داشته‌اند. میانه بقیه ناسازگاری‌ها برابر صفر است.

دسته‌بندی انواع اعمال ناسازگارانه شوهر

به منظور دسته‌بندی اعمال ناسازگارانه مردان، تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد. تحلیل عاملی گویه‌های ناسازگاری، چهار عامل را از هم جدا می‌کند. این چهار عامل با هم ۶۹/۲۲ درصد واریانس را تبیین می‌کنند.

جدول ۵. نتیجه تحلیل عاملی انواع اعمال ناسازگارانه شوهر در خانواده

اعمال ناسازگارانه شوهر	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
دعوت نکردن دیگران	<u>.۸۰۳</u>	.۲۲۳	.۲۱۴	.۲۵۵
نرفتن به مهمانی	<u>.۷۶۸</u>	.۳۱۱	.۰۹۸	.۲۹۵
نرفتن به منزل بستگان	<u>.۷۶۸</u>	.۳۳۰	.۱۲۴	.۲۳۳
نرفتن به تفریح	<u>.۶۴۹</u>	.۳۴۷	-.۰۳۷	.۲۸۷
جداگانه غذا خوردن	<u>.۶۳۹</u>	.۱۷۶	.۳۷۷	.۱۱۲
غذا نخوردن	<u>.۵۸۹</u>	.۲۷۷	.۳۷۱	.۱۰۵
خداحافظی نکردن	<u>.۲۴۸</u>	<u>.۷۹۸</u>	.۱۱۷	.۱۷۲
پرهیز از گفتگو	.۲۷۹	<u>.۷۷۹</u>	.۲۳۴	.۱۶۶
سلام نکردن	.۳۹۹	<u>.۷۴۸</u>	.۲۱۹	.۱۰۷
پرهیز از ملاقات	.۵۱۰	<u>.۶۱۸</u>	.۲۲۵	.۰۲۵
جداگانه خوابیدن	.۱۶۴	<u>.۶۰۳</u>	.۱۹۲	.۲۴۳
ایراد به کیفیت غذا	.۱۳۹	.۲۷۴	<u>.۷۸۴</u>	.۲۵۲
پرتاب وسایل	.۳۸۳	.۲۰۳	<u>.۷۴۱</u>	-.۰۵۰
اعتراض به عدم تنوع غذا	-.۱۵۲	.۳۹۱	<u>.۶۵۱</u>	.۲۹۸
شکستن وسایل	.۴۵۳	.۰۰۶	<u>.۶۲۵</u>	.۱۲۹
بگو مگو	.۳۴۳	-.۰۰۱	.۲۳۶	<u>.۷۴۱</u>
ایراد به نظافت منزل	.۲۲۹	.۱۸۴	.۱۲۷	<u>.۷۲۸</u>
اخم داشتن	.۱۴۶	.۳۸۶	.۰۷۲	<u>.۷۰۸</u>

همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود:

عامل اول: شامل ناسازگاری‌های دعوت نکردن دیگران، نرفتن به مهمانی، نرفتن به منزل بستگان، نرفتن به تفریح، جداگانه غذا خوردن و غذا نخوردن می‌شود. این عامل را می‌توان ترک تعامل با دیگران نامید.

عامل دوم: شامل ناسازگاری‌های خداحافظی نکردن، پرهیز از گفت‌وگو، سلام نکردن، پرهیز از ملاقات و جداگانه خوابیدن می‌شود. این عامل را می‌توان ترک تعامل با بانو نامید.

عامل سوم: شامل ناسازگاری‌های ایراد به کیفیت غذا، پرتاب وسایل، اعتراض به عدم تنوع غذا و شکستن وسایل است. این عامل را می‌توان تعامل خشونت‌بار نامید.

عامل چهارم: شامل ناسازگاری‌های بگو مگو، ایراد به نظافت منزل و اخم داشتن می‌شود. این عامل را می‌توان تعامل تضادآمیز نامید.

ناسازگاری بانو

برای سنجش رفتارهای ناسازگارانه بانوان، هفده رفتار در نظر گرفته شده و از آنان پرسیده شده که در طول یک ماه گذشته هرکدام از آن‌ها را چند بار انجام داده‌اند. در جدول ۶ فراوانی مربوط به اعمال ناسازگارانه بانوان مشاهده می‌شود.

جدول ۶. فراوانی انواع اعمال ناسازگارانه بانو در خانواده

اعمال ناسازگارانه بانو	درصد	پیش‌نیامده [۰]	یک بار [۱]	دو بار [۲]	سه بار [۳]	چهار بار [۴]	پنج بار و بیشتر [۵]	میانگین	میان
غذا نپختن	درصد	۸۸.۱٪	۵.۹٪	۳.۰٪	۰.۷٪	۰.۷٪	۱.۵٪	۰.۲۴	۰
غذا نخوردن	درصد	۸۲.۴٪	۵.۹٪	۵.۱٪	۳.۷٪	۰.۰٪	۲.۹٪	۰.۴۲	۰
جداگانه غذا خوردن	درصد	۸۸.۱٪	۲.۲٪	۳.۰٪	۱.۵٪	۰.۷٪	۴.۴٪	۰.۳۸	۰
جداگانه خوابیدن	درصد	۸۰.۹٪	۴.۶٪	۳.۱٪	۱.۵٪	۳.۱٪	۶.۹٪	۰.۶۲	۰
نرفتن به منزل بستگان	درصد	۷۲.۴٪	۱۳.۴٪	۳.۷٪	۱.۵٪	۱.۵٪	۷.۵٪	۰.۶۹	۰
دعوت نکردن دیگران	درصد	۷۳.۹٪	۱۴.۲٪	۴.۵٪	۳.۷٪	۰.۰٪	۳.۷٪	۰.۵۳	۰
نرفتن به	درصد	۷۱.۹٪	۱۱.۱٪	۶.۷٪	۳.۰٪	۲.۲٪	۵.۲٪	۰.۶۸	۰

									مهمانی
۰	.۶۳	۳.۷٪	۳.۰٪	۳.۷٪	۴.۴٪	۱۲.۶٪	۷۲.۶٪	درصد	نرفتن به تفریح
۰	.۶۸	۵.۲٪	۳.۷٪	۳.۰٪	۴.۴٪	۹.۶٪	۷۴.۱٪	درصد	کتک زدن بچه‌ها
۰	.۳۵	۳.۸٪	.۸٪	.۰٪	۳.۸٪	۵.۳٪	۸۶.۴٪	درصد	پرهیز از ملاقات
۰	.۷۵	۶.۰٪	۱.۵٪	۵.۲٪	۷.۵٪	۹.۰٪	۷۰.۹٪	درصد	پرهیز از گفتگو
۰	.۵۸	۸.۹٪	.۷٪	.۷٪	۲.۲٪	۳.۷٪	۸۳.۷٪	درصد	سلام نکردن
۰	۱.۲۱	۱۲.۷٪	.۷٪	۶.۷٪	۱۴.۲٪	۷.۵٪	۵۸.۲٪	درصد	بگو مگو
۰	.۲۳	۲.۲٪	.۷٪	.۷٪	۲.۲٪	۲.۲٪	۹۱.۸٪	درصد	پرتاب وسایل
۰	.۵۲	.۰٪	.۷٪	.۰٪	.۰٪	۲.۲٪	۹۷.۰٪	درصد	شکستن وسایل
۰	.۸۲	.۰٪	.۰٪	۱.۵٪	.۷٪	۲.۲٪	۹۵.۶٪	درصد	تهدید به خودکشی
۰	.۲۹	۲.۲٪	۲.۲٪	.۰٪	۱.۵٪	۵.۹٪	۸۸.۱٪	درصد	تهدید به ترک منزل

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود:

- با توجه به میانگین، بیشترین فراوانی اعمال ناسازگارانه بانوان مربوط به بگو مگو است و پس از آن تهدید به خودکشی قرار دارد.
- میانگین فراوانی اعمال ناسازگارانه بانوان به طور کلی کمتر از مردان است.
- میانه تمام اعمال ناسازگارانه در میان بانوان برابر است.

تحلیل عاملی اکتشافی رفتارهای ناسازگارانه بانوان به روش واریماکس، ۵ عامل را از هم جدا کرد که در مجموع ۶۸/۷۳ درصد از واریانس ناسازگاری زنان را تبیین می‌کنند. در جدول ۷ بارهای عاملی گویه‌ها در هر یک از عوامل ارائه شده است.

جدول ۷. نتیجه تحلیل عاملی انواع اعمال ناسازگارانه زنان

اعمال ناسازگارانه بانو	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم
پرهیز از ملاقات	<u>.۷۵۷</u>	.۱۴۷	-.۰۹۴	.۰۷۴	.۴۲۳
غذا نپختن	<u>.۷۱۸</u>	.۰۱۰	.۴۳۶	-.۰۷۱	-.۰۵۸
نرفتن به مهمانی	<u>.۶۲۱</u>	.۳۷۷	.۱۱۷	.۳۵۷	.۲۶۹
نرفتن به منزل بستگان	<u>.۵۸۰</u>	.۴۳۰	-.۰۴۳	.۲۶۴	.۱۹۰
تهدید به ترک منزل	.۱۵۵	<u>.۷۴۹</u>	.۳۹۲	.۰۴۲	.۰۰۰
نرفتن به تفریح	.۰۵۷	<u>.۷۲۴</u>	.۰۸۵	.۰۹۲	.۱۷۷
دعوت نکردن دیگران	.۵۱۱	<u>.۶۵۸</u>	.۲۶۷	.۰۲۲	.۰۴۴
سلام نکردن	.۴۲۲	<u>.۵۲۱</u>	-.۰۴۹	.۳۲۹	.۳۶۰
جداگانه غذا خوردن	-.۰۴۰	.۱۳۱	<u>.۸۴۰</u>	.۰۲۷	.۱۷۶
غذا نخوردن	.۱۸۷	.۱۴۷	<u>.۷۷۷</u>	.۳۲۳	-.۰۸۳
تهدید به خودکشی	.۰۳۹	.۴۰۷	<u>.۵۳۳</u>	-.۱۴۴	.۳۰۹
پرتاب وسایل	.۱۱۵	.۰۹۸	.۲۱۱	<u>.۷۹۶</u>	-.۰۵۵
شکستن وسایل	.۱۷۶	-.۰۵۹	.۰۱۷	<u>.۷۵۷</u>	.۱۰۴
کتک زدن بچه‌ها	-.۱۱۴	.۱۹۸	-.۰۹۴	<u>.۶۸۵</u>	.۲۹۴
بگو مگو	.۰۳۸	.۱۴۸	.۱۸۳	.۲۱۳	<u>.۸۰۲</u>
پرهیز از گفتگو	.۳۹۰	.۰۸۹	.۰۳۷	.۱۲۲	<u>.۷۲۲</u>
جداگانه خوابیدن	.۳۱۰	.۲۰۱	.۴۵۱	-.۰۹۴	<u>.۴۶۵</u>

همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود:

- عامل اول شامل رفتارهای ناسازگارانه پرهیز از ملاقات، غذا نپختن، نرفتن به مهمانی و نرفتن به منزل بستگان می‌شود. این عامل را می‌توان ترک تعامل با دیگران نامید.
- عامل دوم شامل تهدید به ترک منزل، نرفتن به تفریح، دعوت نکردن دیگران و سلام نکردن می‌شود. این عامل را می‌توان ترک تعامل با شوهر نامید.
- عامل سوم شامل جداگانه غذا خوردن، غذا نخوردن و تهدید به خودکشی می‌شود. این عامل را می‌توان ترک شدید تعامل نامید.
- عامل چهارم شامل پرتاب وسایل، شکستن وسایل و کتک زدن بچه‌ها می‌شود. این عامل را می‌توان عمل خشونت‌بار نامید.
- عامل پنجم شامل بگو مگو، پرهیز از گفتگو و جداگانه خوابیدن می‌شود. این عامل را می‌توان عمل تضادآمیز نامید.

تحلیل ساختاری تأثیر تضاد ارزشی بر ناسازگاری

به منظور بررسی فرضیه اصلی پژوهش که تأثیر تضاد ارزشی زوجین بر رفتارهای ناسازگارانه آنان است، از مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده کرده‌ایم. این مدل تأثیر تضاد ارزشی میان شوهر و بانو بر ناسازگاری شوهر و تأثیر ناسازگاری شوهر و بانو بر ناسازگاری بانو را بررسی می‌کند.

برای تضاد ارزشی ده شاخص در دست داشتیم که از میان آن‌ها بهترین‌ها را انتخاب کردیم. به منظور انتخاب بهترین شاخص‌ها برای تضاد ارزشی، تحلیل عاملی تأییدی یک عاملی انجام دادیم. متغیرهایی که بیشترین بار عاملی را در این تحلیل داشتند، به عنوان شاخص‌های تضاد ارزشی انتخاب شدند. برای متغیر ناسازگاری شوهر ۱۸ گویه و برای ناسازگاری بانو ۱۷ گویه در اختیار داشتیم که از میان آن‌ها هم بهترین شاخص‌ها را با استفاده از تحلیل عاملی یک عاملی انتخاب کردیم. از آن‌جا که اگر تعداد عامل‌ها زیاد باشد، مدل‌های ساختاری به سختی برازش می‌شوند، برای هر متغیر چهار شاخص در نظر گرفتیم.

در نمودار ۱ رابطه میان تضاد ارزشی و ناسازگاری شوهر ملاحظه می‌شود. نام‌های اختصاری به کار رفته در این مدل

به شرح زیر هستند:

Valcon = تضاد ارزشی بانو و شوهر درباره ارزش‌های مربوط به زندگی مشترک

vc1 = تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش ساده‌زیستی

vc2 = تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش همسر تحصیل‌کرده

vc3 = تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش مشورت با همسر

vc4 = تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش محبت به همسر

Uncomm = اعمال ناسازگارانه شوهر در خانواده

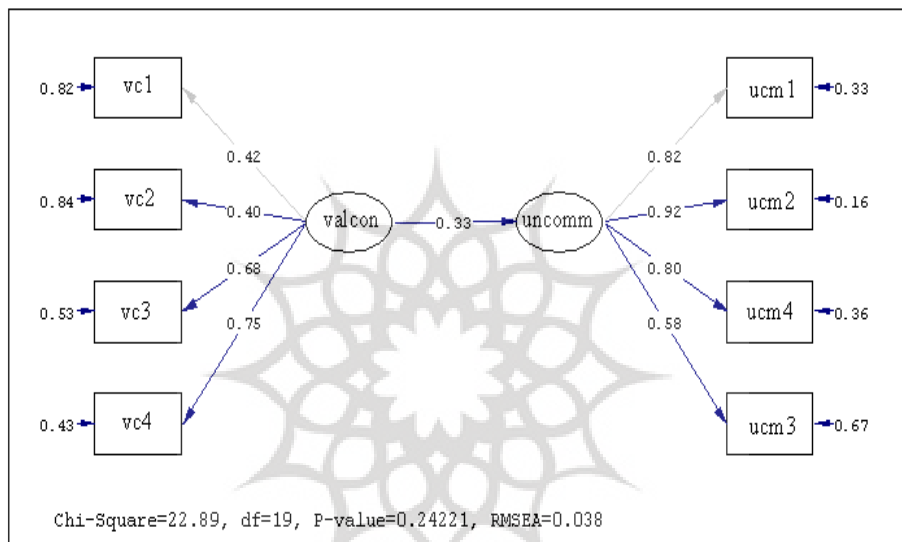
ucm1 = نرفتن به منزل بستگان

ucm2 = نرفتن به مهمانی

ucm3 = دعوت نکردن دیگران

ucm4 = سلام نکردن به بانو

نمودار ۱. تأثیر تضاد ارزشی شوهر و بانو بر ناسازگاری شوهر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مشخصات مدل برازش شده در کادر ۱ ارائه شده است.

کادر ۱. مشخصات مدل برازش داده شده برای تأثیر تضاد ارزشی شوهر و بانو بر ناسازگاری شوهر^۸

درجه آزادی=۱۹
کی دو با روش درست‌نمایی بیشینه اطلاعات کامل (FIML) $(P=0/24) 22/89 =$
جذر میانگین مجذور خطای تخمین (RMSEA) $= 0/38$
فاصله اطمینان ۹۰ درصد برای RMSEA $(0/086 ; 0/0) =$
مقدار معنی‌داری برای آزمون برازش (Close Fit) $(RMSEA < 0/05) = 0/61$

همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، مقدار کی دو مدل $22/89$ و درجه آزادی آن ۱۹ بوده است. نسبت کی دو به درجه آزادی $1/2$ محاسبه می‌شود که فاصله زیادی از دامنه مطلوب برای این مقدار ندارد. از سوی دیگر مقدار آماره جذر میانگین مجذور خطای تخمین (آ.ام.اس.ای.آ) بسیار کمتر از $0/10$ است، که نشان می‌دهد برازش مدل مناسب است. چرا که بر اساس پیشنهاد براون و کودک (۱۹۹۳) اگر آ.ام.اس.ای.آ بیشتر از $0/10$ باشد، برازش ضعیف است. هم‌چنین تمام مقادیر تی برای مسیرها بالاتر از $1/96$ بوده‌اند که نشان می‌دهد وجود تمام مسیرها به احتمال ۹۵ درصد معنی‌دار است. در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود:

- ضریب مسیر بین متغیر تضاد ارزشی میان شوهر و بانو و ارتکاب اعمال ناسازگارانه از سوی شوهر برابر $0/33$ است. طبق معیار رایج میزان شدت این رابطه متوسط است.
- ملاحظه می‌شود که در این مدل ساختاری در میان متغیرهای معرف تضاد ارزشی میان شوهر و بانو، کمترین خطا از آن تضاد ارزشی زوجین بر سر محبت به همسر است.
- هم‌چنین در این مدل، در میان متغیرهای معرف اعمال ناسازگارانه شوهران، کمترین خطا از آن نرفتن به منزل بستگان است.

تأثیر تضاد ارزشی شوهر و بانو بر ناسازگاری بانو

در شکل زیر مدل ساختاری تأثیر تضاد ارزشی شوهر و بانو بر ناسازگاری بانو در خانواده ارائه شده است. نام‌های اختصاری به کار رفته در شکل ۲ به شرح زیر است:

Uncom = اعمال ناسازگارانه بانو در منزل

un1 = نرفتن به منزل بستگان

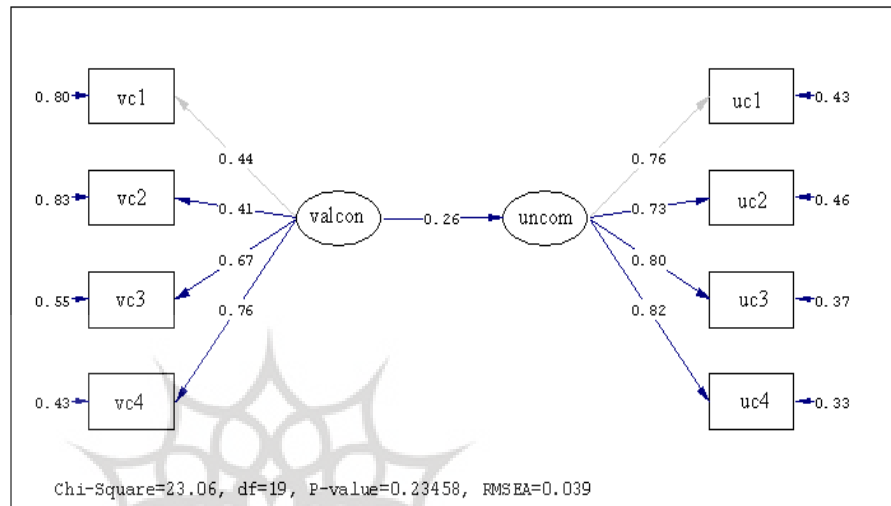
^۸ گفتنی است، هنگامی که داده‌ها دارای مقادیر گم‌شده باشند، نرم‌افزار لیزرل به جای روش بیشترین درست‌نمایی (ML) از روش بیشینه درست‌نمایی اطلاعات کامل (FIML) استفاده می‌کند. به همین خاطر برخی سنج‌های برازش مانند NFI، NNFI، CFI، IFI، GFI و غیره قابل محاسبه نیستند (چارسکاک و سوریم، ۲۰۰۶).

uc2 = دعوت نکردن دیگران

uc3 = نرفتن به مهمانی

uc4 = سلام نکردن

نمودار ۲. تأثیر تضاد ارزشی زوجین بر اعمال ناسازگارانه بانو



کادر ۲. مشخصات مدل برازش داده شده برای تأثیر تضاد ارزشی شوهر و بانو بر ناسازگاری بانو

درجه آزادی = ۱۹

کی دو با روش درست نمایی بیشینه اطلاعات کامل (FIML) $23/06 = (P = 0/23)$

جذر میانگین مجذور خطای تخمین (RMSEA) = $0/39$

فاصله اطمینان ۹۰ درصد برای RMSEA = $(0/086 ; 0/0)$

مقدار معنی داری برای آزمون برازش (Close Fit) $(RMSEA < 0/05) = 0/60$

همان طور که در نمودار ۲ مشاهده می شود، مقدار کی دو مدل $23/06$ و درجه آزادی آن ۱۹ بوده است. نسبت کی دو به درجه آزادی $1/2$ محاسبه می شود که فاصله زیادی از دامنه مطلوب برای این مقدار ندارد. مقدار آماره آر.ام.اس.ای.آ هم بسیار کمتر از $0/10$ است، که نشان می دهد برازش مناسب مدل است (اگر مقدار این آماره بیشتر از $0/10$ باشد، برازش ضعیف است). تمام مقادیر تی برای مسیرها بالاتر از $1/96$ بوده اند که نشان می دهد به احتمال ۹۵ درصد تمام مسیرها معنی دار است. همان طور که در نمودار ۲ ملاحظه می شود:

- ضریب مسیر بین متغیر تضاد ارزشی میان شوهر و بانو و ارتکاب اعمال ناسازگارانه از سوی بانو برابر $0/26$ است که از مقدار مربوط به مدل شوهران (نمودار ۱) کمتر است و شدت آن متوسط ارزیابی می‌شود.
- در این مدل ساختاری در میان متغیرهای معرف تضاد ارزشی میان شوهر و بانو، کمترین خطا از آن تضاد ارزشی زوجین بر سر محبت به همسر است.
- هم‌چنین در این مدل، در میان متغیرهای معرف اعمال ناسازگارانه شوهران، کمترین خطا از آن سلام نکردن است.

با توجه به دو مدلی که در بالا ارائه شد می‌توان نتیجه گرفت که رفتارهای ناسازگارانه مهم و رایج، آن دسته رفتارهایی هستند که فراوانی بالا، اما خشونت فیزیکی اندکی دارند. این ناسازگاری‌ها تحت تأثیر عدم توافق بر سر ارزش‌هایی ایجاد می‌شوند که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند مانند ارزش «محبت به همسر».

بحث و نتیجه‌گیری

نظام خانواده برشی از ساختار تام جامعه است. به همین دلیل آن‌چه در خانواده رخ می‌دهد متأثر از تغییرات و نابسامانی‌های اجتماعی است. وجود هنجارهای قوی علیه طلاق، ما را بر آن داشت که برای بررسی اختلال‌های موجود در نظام خانواده به بررسی اعمال ناسازگارانه زوجین در خانواده بپردازیم. تحلیل داده‌های تجربی نشان داد که ساختار کلی اعمال ناسازگارانه شوهران و بانوان چندان متفاوت نیست. اعمال همسران را می‌توان در دسته‌هایی با عنوان: ترک تعامل با همسر، ترک تعامل با دیگران، ارتکاب اعمال خشن و ارتکاب اعمال تضادآمیز قرار داد. نکته مهم آن است که شاخص‌های این عامل‌ها در میان شوهران و بانوان با هم متفاوت است. به عنوان مثال عمل جداگانه خوابیدن در میان شوهران در دسته اعمالی که عنوان ترک تعامل با بانو را دارند قرار می‌گیرد، اما در میان بانوان در دسته اعمالی که عنوان اعمال تضادآمیز دارند. معنی این امر آن است که عمل جداگانه خوابیدن هنگامی که از سوی شوهران بروز داده می‌شود، شدت کمتری از آن برداشت می‌شود. اما هنگامی که همین عمل از سوی بانوان انجام شود، خشونت بیشتری از آن برداشت می‌شود.

تضادهای ارزشی زوجین یکی از عوامل مهم مؤثر بر افزایش اعمال ناسازگارانه زوجین در خانواده است. تضاد ارزشی موجب می‌شود قضاوت زوجین درباره اعمال، ایده‌ها، بایدها و نبایدها متفاوت باشد که موجب می‌گردد تعامل متقابل به خوبی میان آن‌ها برقرار نشود. تحلیل داده‌های تجربی نشان داد که ضریب تحلیل مسیر تأثیرگذاری تضاد ارزشی بر اعمال ناسازگارانه شوهران برابر $0/33$ و برای بانوان برابر $0/26$ است. این میزان نشان‌دهنده تأثیرگذاری نسبتاً قوی تضاد ارزشی بر رفتارهای ناسازگارانه زوجین است. از سوی دیگر بالاتر بودن میزان ضریب تحلیل مسیر برای مردان نشان می‌دهد تضاد ارزشی میان زوجین بر رفتارهای ناسازگارانه شوهران بیش از بانوان مؤثر است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت، برای کاهش رفتارهای ناسازگارانه بین زوجین در خانواده، یکی از نکات مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، توافق ارزشی

زوجین است. اما باید توجه کرد هنگامی که از توافق ارزشی صحبت می‌شود منظور ارزش‌های بسیار انتزاعی و غایی نیست، بلکه ارزش‌هایی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و چندان هم انتزاعی نیستند اهمیت فراوانی دارند؛ مانند ارزش «محبت به همسر».

منابع

- بودن، ریمون (۱۳۸۵) *فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- ترنر، جان‌اتان (۱۳۷۸) *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- روشه، گی (۱۳۷۶) *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات تبیان.
- روشه، گی (۱۳۷۵) *سازمان اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی زاده، تهران: انتشارات سمت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲) *طلاق*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- مهدوی، محمد صادق (۱۳۷۵) *عوامل مؤثر بر رضایت زوجین*، تهران: نشر مبتکران.

- Britannica (2007) "Role", in *Encyclopedia Britannica*. Retrieved March 4, 2007, from Britannica Concise Encyclopedia: <http://concise.britannica.com/ebc/article-9083780/role>
- Browne, M. W. & R. Cudeck (1993) *Alternative Ways of Assessing Model Fit, In Testing Structural Model Equation*, London: Sage Publications.
- Chibucos, Thomas R. & Randall W. Leite (2005) *Readings in Family Theory*, London: Sage Publications.
- Joreskog, Karl & Dag Sorbom (2006) *Lisrel [computer software]*, Michigan: Scientific Software International, Inc.
- Levi-Strauss, Claude (1996) *Introduction in A History of the Family*, Vol. I, English Translation, Bristol: Policy Press.
- Marshall, Gordon (1998) *Oxford Dictionary of Sociology*, Oxford: Oxford University Press.
- Pallant, Jullie (2001) *SPSS Survival Manual*, Berkshire: Open University Press.
- Parsons, T. (1978) *Social Systems and Evolution of Action Theory*, UK: The Free Press.
- Trost, Jan (1988) "Conceptualizing the Family", *International Sociology*, 3 (3): 301-308.
- Segalen, Martine & Zonabend, Françoise (1996) *A History of the Family*, Vol. II, English Translation, Bristol: Policy Press.
- Sheafer, Rechar (2007) *Introduction to Sociology*, Berkshire: McGraw-Hill.